



## Analysis of the Semiotic Capacities of Narrative Titles: A Case Study of the Book *Those Twenty-Three*

Mohsen Akbarizadeh \*<sup>1</sup>

Received: 26/11/2023

Accepted: 14/05/2024

\* Corresponding Author's E-mail:  
m.akbarabadi@ujiroft.ac.ir

### Abstract

the lexical, semantic, and discursive structure of a narrative's title, as the first threshold encountered by the reader, plays a significant role in the reading, encoding, and discovery of the discursive and semiotic implications of the story. Accordingly, the title is not merely a decorative or extra textual element that can be omitted; rather, it is an integral part of the narrative structure that, like a central signifier, organizes other narrative elements around itself. The importance and necessity of researching narrative titles become evident when the title is removed from the story. This leads to reader confusion and even an incomplete understanding of the narrative. With this premise, this article seeks to examine the semiotic and discursive capacities of the title in the book *Those Twenty-Three*, one of the most famous narratives of resistance literature, using a descriptive-analytical method influenced by Barthes' textual analysis in *S/Z*. The research findings indicate that the title, as a sign, plays a special role in shaping the hermeneutic and action codes of the text. The entire narrative is, in fact, an expansion of the implicit connotations of the title through the deferral of meaning and the creation of new actions within the text.

1. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Jiroft University, Jiroft, Iran.

<http://orcid.org/0000-0002-0859-2528>



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



The author has attempted to construct actions and enigmas through contrasts such as youth/maturity and captivity/freedom, ultimately revealing the full meaning of the title.

**Keywords:** Narration, Title, Codes, Paratext, those twenty three people.

### 1.Literature Review

Previous research in the field of narrative titles has primarily focused on the theories of Gérard Genette and Roland Barthes. Genette, in his book *Paratexts: Thresholds of Interpretation*, examines various types of titles and their functions. Barthes, in *S/Z*, divides the text into units of reading and analyzes them under five codes (hermeneutic, proairetic, semantic, symbolic, and cultural), highlighting the role of the title in the formation of meaning. These studies demonstrate that the title, as one of the paratexts, significantly influences the reading and interpretation of the text.

### 2.Research Objectives and Questions

The main objective of this article is to examine the role of the title in the narrative structure and to analyze its semiotic capacities in the book *Those Twenty-Three*. The main research questions are:

1. How does the title, as a central signifier, organize other narrative elements?
2. How do cultural, action, and hermeneutic codes operate in the title *Those Twenty-Three*?
3. How does the title contribute to the formation of meaning and implicit connotations in the text?

### 3.Hypotheses

1. The title *Those Twenty-Three* serves as a central signifier, playing a key role in shaping the narrative codes.
2. The cultural, action, and hermeneutic codes in the title contribute to creating ambiguity and suspense in the narrative.



3. The title is an inseparable part of the narrative structure, and its removal leads to reader confusion and an incomplete understanding of the story.

#### **4.Data Collection**

The data for this research were collected through textual analysis of the book *Those Twenty-Three* and an examination of the role of the title in the narrative structure. The research method is descriptive-analytical, and the theories of Barthes and Genette are used as the theoretical framework.

#### **5.Analysis and Discussion**

The analysis of the title *Those Twenty-Three* reveals that it guides the reader to discover the implicit connotations of the text by creating ambiguity and suspense. The cultural codes in the title help the reader uncover meaning by drawing on their knowledge of the real world. The action codes, through contrasts such as youth/maturity and captivity/freedom, contribute to the formation of actions and enigmas in the narrative. As part of the hermeneutic code, the title creates enigmas in the reader's mind that are resolved throughout the narrative.

#### **6.Results**

The research findings indicate that the title *Those Twenty-Three* is not merely a decorative element but an inseparable part of the narrative structure. By creating ambiguity and suspense, the title guides the reader to discover the implicit connotations of the text and plays a key role in shaping the narrative codes. This research emphasizes that the title, as a central signifier, organizes other narrative elements around itself, and its removal leads to reader confusion and an incomplete understanding of the story.



**Journal Of Narrativestudies**

**E-ISSN: 2588-6231**

**Vol.9, No. 17**

**Spring and Autumn 2025**

**Research Article**



---

### References

- Barthes, R. (2015). *S/Z*. Translated by Sepideh Shakripour. Tehran: Afraz.
- Genette, G. (1997). *Paratexts: Thresholds of Interpretation*. Translated by Babak Ahmadi. Tehran: Markaz.
- Yousefzadeh, A. (2017). *Those Twenty-Three*. Tehran: Sooreh Mehr.
- Allen, G. (2006). *Roland Barthes*. Translated by Payam Yazdanjou. Tehran: Markaz.
- Chandler, D. (2007). *Semiotics: The Basics*. Translated by Mehdi Parsa. Tehran: Sooreh Mehr.
- Makaryk, I. (2009). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Tehran: Agah.

دوفصلنامه روایت‌شناسی

سال ۹، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۴، صص ۳۱۷-۳۵۰

مقاله پژوهشی

## تحلیل ظرفیت‌های رمزگانی عنوان روایت: مطالعه

موردی کتاب آن بیست و سه نفر

محسن اکبری‌زاده<sup>۱\*</sup>

(دریافت: ۱۴۰۲/۹/۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۵)

### چکیده

ساختار واژگانی، معنایی و گفتمانی عنوان هر داستان، در مقام نخستین آستانه‌ای که خواننده با آن مواجه می‌شود، نقش مؤثری در خوانش، کدگذاری و کشف دلالت‌های گفتمانی و رمزگانی داستان دارد. بر این اساس، عنوان، عنصری تزیینی و برون‌متنی نیست که حذف‌شدنی باشد، بلکه بخشی از ساختار روایت است که همچون دال مرکزی، دیگر عناصر روایت را حول و حوش خودش سامان می‌دهد. اهمیت و ضرورت پژوهش درباره نام روایت زمانی مشخص می‌شود که عنوان از داستان حذف شود. این امر باعث سردرگمی مخاطب و حتی فهم ناتمام روایت می‌شود. با این پیش‌فرض، در این مقاله تلاش شده تا با روشی توصیفی - تحلیلی و رویکردی متأثر از تحلیل متنی بارت در کتاب *س/ز*، ظرفیت‌های رمزگانی و گفتمانی عنوان روایت در کتاب *آن بیست و سه نفر* که یکی از معروف‌ترین روایت‌های ادبیات پایداری است بررسی شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عنوان در مقام یک نشانه، نقشی ویژه در شکل‌گیری

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جیرفت، جیرفت، ایران (نویسنده مسئول).

\* m.akbarabadi@ujiroft.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-0859-2528>



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY - NC) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.

رمزگان‌های معمایی و کنشی این متن دارد. تمامی متن داستان، درحقیقت بسط دلالت‌های ضمنی عنوان از طریق تعویق معنا و ایجاد کنش‌های جدید در سطح متن است. نویسنده تلاش کرده از طریق تقابل‌های نوجوانی/ بزرگی و اسارت/ آزادی، کنش‌ها و معماهایی را در سطح متن تشکیل دهد تا درنهایت معنای کامل عنوان افشا شود.

**واژه‌های کلیدی:** روایت، عنوان، رمزگان، پیرامتن، آن بیست و سه نفر.

### ۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم در حوزه ساختار روایت، تعیین مرزها و محدوده روایت است؛ یعنی اینکه روایت از کجا شروع می‌شود و کجا به پایان می‌رسد. سیر خطی و خاصیت پی‌رنگ‌مند روایت، باعث می‌شود که آغاز و پایانی را برای هر روایت در نظر بگیریم، اما اینکه آغاز روایت کجاست و پایان به کجا ختم می‌شود، و اینکه عنوان یک روایت دقیقاً چه نقش و کارکردی در ساختار متن دارد، یکی از مباحث مناقشه‌برانگیز روایت‌شناسی است. ساده‌ترین و در عین حال عینی‌ترین پاسخ به این سؤال، این است که روایت از تعادل آغازین شروع می‌شود و با تعادل نهایی نیز به پایان می‌رسد. قطعاً درج روایت روی جلد کتاب، باعث تلقی آن در نگاه‌های سنتی به عنصری برون‌متنی و خارج از ساختار روایی شده است، اما خاصیت ترکیبی روایت از طریق هم‌نشینی و جانشینی عناصر روایی با یکدیگر و توجه به نقش پیرامتن‌ها<sup>۱</sup> در شکل‌گیری معنای روایت، باعث بسط و گسترش حد و مرزهای روایت می‌شود. چالش و پرسش اصلی مقاله حاضر براساس نگاه انتقادی به عنوان به‌مثابه عنصری تزئینی و برون‌متنی شکل گرفته است. سؤال اصلی این است که آیا عنوان یک داستان می‌تواند عنصری درونی، دلالتگر و معنا ساز در گستره روایت تلقی شود؟ رویکرد اصلی این تحقیق برای پاسخ‌گویی به سؤال فوق مبتنی بر نوعی نگاه نشانه‌شناختی است که در آن، متن ساحتی

دلالتگر و ترکیبی دارد و تمام عناصر آن از طریق قرار گرفتن در ذیل رمزگان‌ها به معنی می‌رسند.

در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که با توجه به اهمیت اجتماعی و ساختاری معنا و وجود لایه‌های دلالتگر متعدد در روایت، عنوان به‌مثابه دال می‌تواند، مدل‌های ضمنی متعددی را در طول متن احضار و نمایان کند. قطعاً هرگونه تغییر در عنوان یا رمزگردانی آن، باعث تغییر در سطح معنا و دلالتگری متن می‌شود. بدین ترتیب، ساختار روایت، انعطاف و گستره وسیع‌تری پیدا می‌کند و عنوان نیز در این ساختار جای می‌گیرد

بر اساس این مسائل، کتاب آن بیست و سه نفر که از آثار قابل توجه و پر مخاطب در حوزه ادبیات پایداری است به‌عنوان نمونه انتخاب شد تا ضمن تحلیل کارکردهای رمزگانی و گفتمانی عنوان، بتوان نحوه تأثیرگذاری عنوان را در ساختاربخشی و رمزگذاری این روایت خاطره‌ای بررسی کرد.

### ۲-۱. روش تحقیق

مبنای روش‌شناختی تحقیق حاضر بر پایه تحلیل نظام‌مند بارت و تقسیم متن به چند رمزگان مختلف روایی است. متن، ماهیتی اجتماعی و ساختاری دارد، یعنی متشکل از لایه‌های معنایی متعدد است که از طریق واسطه‌های گفتمانی<sup>۲</sup> عمل می‌کند. این واسطه‌های گفتمانی یا رمزگانی، نمایانگر این موضوع هستند که متن، بازنمایی محض و بی‌طرف امر اجتماعی و واقعی نیست، بلکه این رمزگان‌ها و ساختارها هستند که همچون یک نظام، به معنا و دلالت‌های متن، جهت‌مندی و سوگیری می‌بخشند. عنوان داستان یا متن یا هر عملی که از واژه‌ها تشکیل شده باشد، امری نظام‌مند است که

تعینش را مدیون ساختارها و رمزگان‌هایی است که احضار می‌کند و در درون آن‌ها قرار می‌گیرد.

بارت در کتاب *اس/زد*، به دنبال این است که ببیند متن چگونه معنادار می‌شود و برای این منظور اصل را بر خوانش خواننده می‌گذارد. بر این اساس وی اعتقاد دارد که معنای متن، امری ثابت و از پیش تعیین‌شده نیست بلکه از طریق خوانش خواننده است که معنا شکل می‌گیرد. او هر روایت را اختیاری به قطعه‌های کوچک معنایی به نام «خوانه»‌ها تقسیم می‌کند و اعتقاد دارد که این قطعه‌ها هستند که مسیر خوانش و معنامندی روایت را شکل می‌دهند (ر.ک. آلن، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۶). درنهایت این قطعه‌ها به پنج رمزگان تقسیم می‌شوند. این رمزگان‌ها عبارت‌اند از رمزگان هرمنوتیکی<sup>۳</sup>، رمزگان پروآیروتیک یا کنشی<sup>۴</sup>، رمزگان معنایی<sup>۵</sup>، رمزگان نمادین<sup>۶</sup> و رمزگان فرهنگی<sup>۷</sup>. در این مقاله، تلاش شده تا عنوان کتاب *آن بیست و سه نفر* از منظر این رمزگان‌ها نگریسته شود.

اتخاذ رویکرد رمزگانی بارت در این مقاله، تأییدی بر جامعیت و کمال آن نیست، بلکه اتکا بر نوعی روشمندی است که اتفاقاً با روایت‌های کنش‌محور سنخیت بیشتری دارد. رمز/ رمزگان، اساس رویکرد بارت در تحلیل متون است. از نظر وی نشانه‌شناسی به وجود خودانگیختگی فارغ از تأثیر رمزها معتقد نیست و معنا و دلالت‌ها در بستر رمزگان تحقق پیدا می‌کنند. در این شیوه تحلیل متنی و رمزگانی، اصولاً معنای از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد، بلکه متن به شبکه‌ای از رمزگان‌ها تبدیل می‌شود که معنا در مواجهه با رمزهای مختلف، دائم در حال تغییر و نوسان و حرکت است. رویکرد بارت در کتاب *اس زد مبتنی بر نوعی روش‌شناختی ترکیبی است؛ یعنی هم شمه‌هایی از نگاه ساختاری در آن دیده می‌شود و آن تقلیل واحدهای خوانش متن در ذیل پنج رمزگان*

است و هم بارقه‌هایی از واسازی در آن دیده می‌شود، چراکه هر بخش متن نه براساس فردیتش بلکه براساس کارکردش می‌تواند از یک رمزگان خارج شود و ذیل رمزگان دیگری به معنا برسد. این تحویل و تغییر مدام رمزگان‌ها و کارکردهای متن، باعث تکثر معنا و پس راندن معنای حتمی و قطعی است.

امروزه مطالعات نشانه‌شناختی معاصر بر اهمیت برابر فرایندها و ابژه‌های غیر زبانی تأکید دارند و به تحلیل انسان‌شناختی نزدیک‌تر شده‌اند، حال آنکه رویکرد بارت همچنان زبان‌شناختی است و بر زبان کلامی و بُعد گفتمانی متمرکز است (لوروسو، ۱۴۰۰، صص. ۶۲-۶۳). معرفی و شناسایی رمزگان‌ها و گفتمان‌های جدید در روایت و سیر نشانه‌شناسی به سمت نشانه‌شناسی پدیداری که بیشتر بر احساسات و ادراکات کنشگران و شوشگران تمرکز می‌کند، از جمله مواردی است که نشانه‌شناسی بارت را با انتقاداتی روبه‌رو کرده است. شعیری در ترجمه کتاب *نقصان معنا* از این تمایزات تحت عنوان عبور از نشانه معنانشناسی کلاسیک و کنش‌مدار به نشانه معنانشناسی شوشی و احساس‌مدار یاد می‌کند (ر.ک. گرمس، ۱۳۹۸، ص. ۷). در روایت‌شناسی کلاسیک که کنش‌محور است با نوعی تجویز و برنامه‌مندی روبه‌رو هستیم؛ یعنی اینکه کنش‌گر براساس یک برنامه مشخص مراحل مختلف زنجیره روایت را پشت سر می‌گذارد (همان، ص. ۱۷).

وجه ممیز نشانه‌شناسی بارت از متأخران خود همچون گرماس و لاندوفسکی در همین توجه به سوژه جسمانی و نقش ادراکات و احساسات او در خلق معناست. برخورد پدیداری نشانه‌شناسی جدید با نشانه‌ها باعث تغییر درمورد نظام کنشی برنامه‌مدار سنتی شده است به نحوی که مؤثر دانستن حضور جسمانه بین رابطه دال و

مدلول باعث نوعی نگاه باز منعطف و سیال به متون شده است (ر.ک. شعیری، ۱۳۸۸، صص. ۱-۶).

با توجه به اینکه روایت کتاب *آن بیست و سه نفر* مربوط به کنش‌های آگاهانه ارزشی و برنامه‌مدار بیست و سه نفر از نوجوانان رزمنده است که در مقابل رژیم بعث از خود نشان می‌دهند و نظر به این موضوع که راوی تلاش کرده تا به خاطرات خود جهت‌ی ارزشی و تجویزی بدهد، در این مقاله از دیدگاه رمزگانی بارت استفاده شد که ظرفیت بیشتری برای تحلیل روایت‌های کنشی دارد. در تحلیل وضعیت‌های احساسی - ادراکی و پدیدارشناسی کنشگران که همان بیست و سه نفر هستند از رویکرد نشانه‌شناسی پدیداری و پساگرماسی استفاده می‌شود تا بتوان بهتر ظرفیت‌های معنایی و گفتمانی موجود در عنوان این روایت بررسی شود.

## ۲. پیشینه تحقیق

درمورد کارکردهای عنوان در روایت، می‌توان به پژوهش‌هایی در دو حوزه نظری و عملی اشاره کرد. نخست پژوهش‌های ژرار ژنت در مباحث مرتبط با پیرامتن‌هاست. یکی از مبانی نظری پژوهش حاضر، همین نظریات ژنت است که اذعان دارد پیرامتن‌ها تأثیری قابل ملاحظه در معنای متن دارند. عنوان نیز یکی از همین پیرامتن‌های معناساز است. ژنت در فصل چهارم کتاب *پیرامتن‌ها، آستانه‌های تفسیر* به صورت ویژه به پیرامتن عنوان پرداخته و انواع عنوان و کارکردهای آن را بررسی کرده است. نظریات ژنت در این کتاب، منبع بسیاری از پژوهش‌ها در تحقیقات فارسی قرار گرفته است. بهمن نامور مطلق (۱۳۸۶) از نخستین پژوهشگرانی است که در مقاله «ترامنتیت مطالعه یک متن با دیگر متن‌ها» و دیگر آثار خویش، به مرور و ترویج نظریات ژنت در حوزه

پژوهش‌های زبان فارسی پرداخته است. یکی از این پژوهش‌های عملی که متأثر از این نظریه ژنت است و با پژوهش حاضر ارتباطی مستقیم‌تر دارد، مقاله «پیرامتن عنوان در نظم و نثر فارسی از قرن پنجم تا نهم هجری» است. عبدالله آلبوغیش و فاطمه گل بابایی (۱۳۹۹) در این مقاله تلاش کرده‌اند تا با تأسی از اندیشه‌های ژنت، به دسته‌بندی عنوان شناخته‌شده‌ترین متون منظوم و مثنوی سنت ادبی فارسی از قرن پنجم تا نهم هجری ذیل پنج گروه ژانرمحور، شخصیت‌محور، مؤلف‌محور، شگردگرا و مستقیم، بپردازند. در این مقاله هیچ‌گونه اشاره‌ای به ارتباط عنوان با رمزگان‌های موجود در متن نشده است.

مبنای نظری دیگر پژوهش حاضر، نظریات رولان بارت در کتاب *اس/زد* است که با تحلیلی درون‌متنی، هر متن را به چندین واحد خوانش<sup>۸</sup> تقسیم می‌کند و درنهایت این قطعه‌ها را ذیل پنج رمزگان<sup>۹</sup> تقسیم‌بندی می‌کند. عنوان نیز می‌تواند زیر مجموعه هر کدام از این رمزگان‌ها قرار بگیرد. رمزگان‌های پنج‌گانه بارت، مبنای نظری بسیاری از پژوهش‌های زبان فارسی شده است که به نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

ندیم اصغری قاجاری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «خوانش رمزگان‌های دفتر دستور زبان عشق از قیصر امین‌پور براساس نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه بارت» تلاش کرده‌اند که نشان دهند روایت چه اندازه در بازتولید معانی مختلف تأثیر مستقیم دارد. تبلیغ گفتمان عاشقانه از طریق رمزگان فرهنگی و ارجاعی، ایجاد تقابل‌های دوگانه از طریق رمزگان نمادین، تسهیل حالات درونی شخصیت‌ها از طریق رمزگان کنشی، و درنهایت به چالش کشیدن مخاطب از طریق رمزگان هرمنوتیک مهم‌ترین نتایج و یافته‌های این تحقیق است. حسین رضایی لاکسار و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «نشانه‌شناسی فرهنگی رمان رهش با تکیه بر رمزگان‌های بارت» از طریق نگاهی

واسازانه و افشاگر به نمایش واقعیت‌های ایدئولوژیک نهفته و زوایای پنهان و تاریک این رمان پرداخته‌اند. فاطمه و نادره زمانی (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل بینامتنی بلبل و مور با زنجره و مور براساس رمزگان فرهنگی بارت»، نشان داده‌اند که چگونه پروین اعتصامی در باز آفرینی آثار لافونتن، از طریق تغییر بافت سیاسی و اجتماعی فرهنگی، به بازخوانی و بازآفرینی متون پیشینی خود پرداخته است. مژگان ربّانی و همکاران (۱۴۰۲) در «تحلیل بینانشانه‌ای رمان و فیلم گاوخونی براساس رمزگان روایی رولان بارت» با نگاهی مقایسه‌ای تلاش کرده‌اند تا با مقایسه داستان گاو خونی از جعفر مدرس صادقی با فیلم گاوخونی به کارگردانی بهروز افخمی بر پایه رمزگان‌های بارت، نشان دهند که نشانه‌های زبانی و تصویری در قالب این رمزگان‌ها چگونه بازنمایی می‌شوند و چه تغییراتی می‌کنند. از دیگر پژوهش‌های مرتبط با رمزگان‌های بارت، پژوهش امید وحدانی فر و اکرم صفیخانی (۱۴۰۱) با عنوان «تحلیل روایی نمایشنامه در انتظار گودو بر مبنای نظریه رمزگان رولان بارت» است. نویسندگان در این مقاله ضمن تطبیق این داستان با رمزگان بارت نشان داده‌اند که چه اندازه کیفیتی باز و متکثر از معانی مختلف در ساختار این نمایشنامه وجود دارد و چگونه این معانی مختلف باعث درک بهتر مفاهیم نهفته این نمایشنامه شده است. در پژوهش‌های مذکور اگرچه همگی به کاربست نظریه رمزگان بارت در متون مختلف پرداخته‌اند، اما نتایج پژوهش‌های آن‌ها نشان می‌دهد که هیچ کدام از این تحقیقات به تحلیل رمزگانی عنوان و نقش آن در ساختارمندی و ایجاد رمزگان‌های روایت توجهی نکرده‌اند. ظرفیت‌های رمزگانی و ساختاری عنوان در هیچ کدام از پژوهش‌های فوق تحلیل نشده است و همین امر، تمایز پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها را نشان می‌دهد.

علاوه بر پژوهش‌های فوق، در حوزه عنوان نیز پژوهش‌هایی در حوزه روایت انجام شده است. امین بنی طالبی دهکردی و مسعود فروزنده (۱۴۰۰) در مقاله «کارکردهای عنوان داستان در داستان‌های کوتاه ایرانی» تلاش کرده‌اند تا با تقسیم‌بندی عنوان‌ها به دو دسته محتوایی و فرمی، کارکردهای گوناگون عنوان را بررسی کنند. ابراهیم محمدی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «خوانش هرمنوتیکی نام داستان در سه قطره خون هدایت و ربیع فی الرماد زکریا تامر» تلاش کرده‌اند تا با بررسی هرمنوتیکی نام داستان، پیوندهای آن را با زوایای گوناگون زندگی مؤلف تبیین کنند. پژوهش‌های دیگری نیز در مورد عنوان داستان صورت گرفته است، اما هنوز پژوهشی مستقل که به بررسی ظرفیت‌های رمزگانی عنوان و به‌ویژه عنوان کتاب آن بیست و سه نفر پردازد، انجام نشده است.

### ۳. بحث

#### ۳-۱. عنوان و رمزگان

آنچه به کلمات و نشانه‌ها در متن معنا می‌دهد، رمزگان است. رمزگان در معنای کلی، چارچوبی است که نشانه‌ها در آن معنادار می‌شوند (چندلر، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۹). براساس این نظریه، هر کلمه در روایت از طریق قرارگرفتن در رمزگانی مشخص به کلیت روایت پیوند می‌خورد و بخشی از متن روایی می‌شود. در این خاصیت ترکیبی، هیچ نشانه زائد و بی‌معنی‌ای در روایت وجود نخواهد داشت. ممکن است یک رخداد یا توصیف در سطحی از روایت یا رمزگانی خاص، جنبه‌ای کارکردی نداشته باشد، اما از طریق ترکیب با رمزگان‌های دیگر، جنبه‌ای نمادین یا کنشی به خود بگیرد. مثلاً درباره عناصر توصیفی موجود در روایت، *عده‌ای* معتقدند که این عناصر در روایت قابل حذف

هستند. مثلاً توصیفات مرتبط با روستای زادگاه نویسنده آن بیست و سه نفر که مکرراً در طول روایت به آن پرداخته می‌شود شاید در ابتدای امر، توصیفات تزیینی و غیرمرتبط با کنش اصلی روایت باشند، اما وقتی همین توصیفات رویایی و معصومانه روستا در سطوح دیگر در تقابل با رمزگان خشونت‌آمیز و بی‌رحمانه اسارت و جنگ قرار می‌گیرد، دیگر تزیینی محسوب نمی‌شوند، بلکه کارکردی نمادین و فرهنگی به خود می‌گیرند و تقابل ساختاری معصومیت و تجاوز را در کل روایت به خوبی نشان می‌دهد. بر پایه همین سطوح ترکیبی، می‌توان هر روایت را متشکل از رمزگان‌های متعدد دانست که هر نشانه روایت از طریق قرار گرفتن در این رمزگان‌ها، خاصیت روایی پیدا می‌کند. عنوان نیز از این منظر، بخش جدایی‌ناپذیر روایت محسوب می‌شود. نگاهی تاریخی به عنوان در روایت‌های سنتی نیز مؤید همین نکته است. بسیاری از اشعار سنتی معمولاً فاقد عنوان هستند؛ حال آنکه روایت‌ها و قصه‌ها حتماً دارای نام هستند. عنوان دار بودن روایت، حاکی از پیوستگی اجزای روایت است؛ یعنی در روایت به واسطه پیوستگی اجزای روایت از نظر زمانی، علی و موضوعی، تمامی نشانه‌ها به یکدیگر گره می‌خورند. عنوان نیز چون در این ساختار، به دیگر عناصر داستان گره می‌خورد و حکم آستانه‌ای را دارد که بر شیوه خوانش مخاطب تأثیرگذار است. «عنوان، عنصری است یاری‌دهنده به مخاطب تا وفق دلالت‌های اثر را دریابد. با نام و از طریق نام است که مخاطب به قلمرو گزینش‌ها و امکان‌های تأویل شکل می‌دهد» (احمدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۸۴). نقشمندی عنوان روایت از طریق رمزگان‌های موجود در روایت بهتر مشخص می‌شود.

## ۲-۳. رمزگان‌های فرهنگی - ارجاعی عنوان «آن بیست و سه نفر»

نگاه هم‌زمانی به زبان نشان می‌دهد که معنا امری قراردادی و مبتنی بر اصل تفاوت است و این نظام‌های فرهنگی و اجتماعی هستند که معنای زبان را تعیین می‌کنند. درحقیقت، هیچ زبانی بدون نظام حاکم بر آن معنی پیدا نمی‌کند (هلیدی، ۱۳۹۳، صص. ۵۰-۵۱). پس همهٔ مصادیق زبانی اعم از واژه‌ها، نحو جملات، عروض و ... در بافت اجتماعی و فرهنگی معنا پیدا می‌کنند و بیانگر تفکرات، فرهنگ‌ها، ایدئولوژی و گرایش‌های اجتماعی نویسندهٔ آن هستند. عنوان هر روایت نیز متشکل از واژگانی است که می‌توانند در ذهنیت خواننده، تداعی‌های متفاوتی را ایجاد کنند. همین ذهنیت‌ها، پیش‌فرض‌های معنایی خواننده را طرح‌ریزی می‌کنند و فرایند خوانش آغاز می‌شود. پس عنوان می‌تواند زیرمجموعهٔ رمزگان ارجاعی یا فرهنگی قرار گیرد، یعنی رمزگانی که «متن برای شکل دادن به معنا، خواننده را به استفاده از دانش خود از جهان واقعی فرامی‌خواند» (مکاریک، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۸).

اولین معنای آن از طریق قراردادهای فرهنگی و اجتماعی‌ای شکل می‌گیرد که خواننده با آن‌ها آشناست. «آن بیست و سه نفر» متشکل از صفت اشاره و صفت شمارشی است. ضمیر «آن» در دستور زبان فارسی، به مکان یا زمانی دور از اکنون یا اینجا اشاره دارد و کارکردی معرفه‌ساز و هویتی دارد. براین اساس، اولین کارکرد اجتماعی و فرهنگی این ضمیر در عنوان روایت کتاب، معرفی شخصیت‌هایی است که در گذشته کاری انجام داده‌اند و همین امر به تمایز و هویت آن‌ها منجر شده است. از همین ضمیر، انفصال و تمایز هویتی شکل می‌گیرد؛ یعنی بیست و سه نفری که از شرایط معمولی روزگار خود عبور کرده و با تغییر و انفصال و جداافتادگی، نوعی تجدد نشانه‌ای را برای خود رقم زده‌اند.

ضمیر «آن» کارکرد اجتماعی و فرهنگی دیگری نیز دارد و آن به روایتی اشاره دارد که در گذشته شکل گرفته و تمام شده است. البته همه روایت‌ها برای اینکه بتوانند پی‌رنگ‌مند باشند، باید گذشته‌محور باشند، چراکه اساس پی‌رنگ بر شکل‌گیری حوادثی است که آغاز، میانه و پایان داشته باشند. این گذشته‌نگری باعث شکل‌گیری افق انتظارات در خواننده می‌شود. ضمیر آن در روایت آن بیست و سه نفر، انتظاراتی را در خواننده شکل می‌دهد و خواننده توقع مواجهه به گذشته فرهنگی و اجتماعی خاصی دارد که ممکن است با اکنون متفاوت باشد. این تفاوت فرهنگی و فاصله زمانی، جزء لازم فهم روایت در این کتاب است. ذهنیت خواننده‌ای که در اکنون زندگی می‌کند دارای مشخصه‌های فرهنگی و زبانی دوره خود است و فهم روایتی که در گذشته رخ داده است منوط به این است که خواننده حوادث را با ذهنیت امروزی خود ترکیب کند در عین اینکه ملازمات زبانی و فرهنگی گذشته را نیز باید بشناسد. پس این گذشته‌محور بودن روایت آن بیست و سه نفر، رمزگان‌های فرهنگی متفاوتی را به وجود خواهد آورد.

اعداد، شاید از خشتی‌ترین اجزای هر زبان باشند؛ یعنی بیشتر اعداد صرفاً جنبه‌ای کمی دارند و با کیفیت امور سروکاری ندارند. البته در فرهنگ‌های گوناگون، برخی از اعداد بنا به ساحت تاریخی و ذهنیت فرهنگی متکلمان آن زبان، وجهه‌ای اسطوره‌ای، دینی و فرهنگی دارند. مثلاً تقدس اعداد چهل و هفت در فرهنگ ایرانی و اسلامی. در کتاب مذکور، عدد «بیست و سه نفر» نشانگر فرهنگ یا تقدس خاصی در مناسبات فرهنگی نیست، اما لابد در تلقی نویسنده یا راوی کتاب، معنای خاصی دارد که روایت خود را به آن‌ها اختصاص داده است. تأکید نویسنده بر این تعداد از شخصیت‌ها، مخاطب را با این سؤال مواجه می‌سازد که این افراد چه کسانی هستند؟ در هر صورت،

خواننده قرار است با بیست و سه شخصیت روبه‌رو شود؛ از همین رو با روایتی شخصیت‌محور روبه‌رو خواهد بود. قطعاً تبدیل این اعداد از یک نشانه زبانی به سوژه‌های انسانی مهم‌ترین فرایند زبانی و روایی است که در این متن خواننده انتظار دارد رخ بدهد. با این تحلیل می‌توان گفت که ارجاعات فرهنگی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین رمزگان‌های معنابخش عنوان در هر روایت است. همین ارجاعات، خواننده را به خود جذب می‌کند و هول و ولا و انتظار را در او شکل می‌دهد. قدرت عنوان در روایت همین همراه کردن و تشنه کردن خواننده است.

ابهام و ایجاز موجود در عنوان هر روایت، از نظر مخاطب‌شناسی دو مسئله را پیش می‌کشد: یا باعث کنجکاوی خواننده می‌شود و به روایت جذابیت خواهد داد یا چون خواننده را سردرگم می‌کند، خواننده دچار نوعی دلزدگی می‌شود. به همین دلیل معمولاً بسیاری از روایت‌ها دارای عناوین فرعی نیز هستند. ژنت کارکرد عنوان فرعی را معرفی‌گری و ابهام‌زدایی می‌داند (Genette, 1997, p. 55-56). عنوان فرعی می‌تواند همچون رمزگانی عمل کند که خواننده را با ژانر یا نوع ادبی متن آشنا سازد؛ یعنی قراردادهای و نظامی را شکل می‌دهد که خواننده از طریق این قراردادهای، خوانش خود را پی‌ریزی می‌کند. عنوان فرعی آن بیست و سه نفر «خاطرات خودنوشت احمد یوسف‌زاده» است. عنوان فرعی «خاطرات»، بحث حقیقت‌مانندی و واقعیت ارجاعی روایت حاضر را به میان می‌کشد: «ادعای گفتن داستانی بر پایه واقعیت، باعث جذابیت روایت‌های غیرداستانی می‌شود» (ابوت، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۹). این عنوان فرعی، به داستان قدرتی می‌دهد که در عنوان اصلی وجود ندارد. براساس این عنوان فرعی، نوعی دنیای واقعی شکل می‌گیرد که اتفاقاً توجه خواننده را به کنش‌های فرعی و جزئیات روایت بیشتر جلب می‌کند، چراکه «دقیقاً همین افراط در جزئیات است که متن را واقع‌گرا

می‌کند» (فلودرنیک، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۳). روایت کتاب آن بیست و سه نفر به دلیل خاطره‌ای بودنش، سرشار از همین جزئیات و توصیفات دقیق شخصیت‌ها، رویدادها و مکان‌هاست. این توصیف جزئیات، از شگردها و شاخصه‌های سبکی این کتاب محسوب می‌شود:

کودکی که دشداشه‌ای سفید به تن داشت، فرمان دوچرخه‌اش را توی دستش گرفته بود و با جوانی که لباس کار آبی رنگی به تن داشت حرف می‌زد. جلوی مغازه‌ای که تابلویی بزرگ‌تر از تابلوی شیرینی‌فروشی کریم داشت. رو تابلو درشت نوشته شده بود «بنجرجی» (ص. ۱۴۵).<sup>۱۰</sup>

این توجه به جزئیات و توصیفات در کتاب به حدی است که اگر ژانر واقع‌گرای آن را نادیده بگیریم، این جزئیات نیز حاشیه‌ای و زائد به نظر می‌رسد، اما نویسنده با ذکر عنوان فرعی، همه این جزئیات را می‌پذیرد. خواننده براساس همین چارچوب مفهومی که از طریق جزئیات و تأکید بر آن در عنوان فرعی شکل می‌گیرد، جزئیات را از اصول واقع‌گرایی این داستان می‌داند.

از دیگر قواعد خوانش روایت‌های واقع‌گرا این است که «مخاطبشان ضعف‌های هنری این آثار، و حتی وقفه در حفظ تعلیق روایی را در آن‌ها نادیده می‌گیرد» (فلودرنیک، ۱۳۹۹، ص. ۲۵۹). مهم‌ترین دلیل چنین خوانشی، کارکرد ارجاعی روایت است. روایت آن بیست و سه نفر، خاطرات نویسنده‌ای است که تلاش کرده رخداد‌های واقعی را منتقل کند. آشکار است که حوادث و رخدادها در دنیای واقعی، نظم و پیوستگی ساختگی روایت را ندارند؛ از همین‌رو، محدودیت‌هایی در روایتگری آن‌ها وجود خواهد داشت. نویسنده اگر سعی کند همه رخداد‌های واقعی را در قالب پی‌رنگ، نظم و انتظام ببخشد، از واقعیت حوادث فاصله می‌گیرد. خاطره، نوعی تاریخ

شفاهی محسوب می‌شود و قطعاً ذکر تاریخ در قالب روایت دارای محدودیت‌های خاص خود است. ریکور معتقد است که «منظور از رویداد تاریخی، به مفهوم هستی‌شناسی آن، چیزی است که به‌واقع در گذشته رخ داده است ... بدین لحاظ فعلیت گذشته آنچه روی داده است خصوصیت مطلق گذشته محسوب می‌شود که مستقل از ساخت و بازساخت ماست» (ریکور، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۳). بر این اساس راوی داستان قادر به ساخت و بازسازی در رویدادی که در گذشته رخ داده است نیست. پس ترکیب رویدادهای قطعیت‌یافته و تمام شده در خاطره‌نویسی و پیوند آن‌ها در قالب پی‌رنگ، امری دشوار است و بازسازی آن در ضمن محدودیت‌های روایت، ممکن است در رویداد تحریف یا تغییر ایجاد کند که در این صورت واقعیت رویداد مخدوش می‌شود.

در کتاب *آن بیست و سه نفر*، بخش‌هایی وجود دارد که راوی به رخدادها یا توصیفاتی پرداخته است که فقط جنبه‌ای تاریخی دارند و با پیکره اصلی روایت آنچنان در ارتباط نیستند. اگرچه می‌توان این توصیفات و بخش‌ها را دارای کارکردی نمایه‌ای و فضا‌ساز دانست که بهتر زمینه کلی روایت را نمایان می‌کنند، اما به‌لحاظ کنشی، تغییری در روند روایت ایجاد نمی‌کنند. این بخش‌ها همان ناداستان‌ها هستند که سندیت و حقیقت‌مانندی روایت را افزایش می‌دهند. مثلاً در قسمت «پیش فصل» داستان، راوی با توصیف فضای جبهه، خود را معرفی می‌کند: سربازی مبتدی که وظیفه نگهبانی پشت جبهه، باعث خستگی و کسالت او شده است. تمام بخش‌های این قسمت به ذکر حوادث مرتبط با وظیفه او که نگهبانی و رزمندگی در خط مقدم است پرداخته شده تا جایی که به‌دلیل یک شوخی از نگهبانی کنار گذاشته می‌شود و به وظیفه کارگری و حمالی در پشت جبهه گماشته می‌شود (ص. ۲۶). تمامی این بخش‌ها در این فصل نقش زمینه‌سازی و فضا‌سازی داستان را دارند. اما در میان این بخش‌ها، قسمتی تحت عنوان

«آن دست خط قشنگ» وجود دارد که مضمون آن نامه‌ای با خط خوش از طرف موسی، برادر راوی است. این بخش اگرچه پیشینه انقلابی و مبارزاتی خانواده راوی را نشان می‌دهد، اما بیشتر بر خوش‌ذوقی و خط زیبای برادر راوی تأکید می‌کند. شاید بتوان این بخش را از روایت حذف کرد، اما جنبه واقع‌گرایانه این روایت که در عنوان فرعی نیز تأکید شده بود، چنین اجازه‌ای را نخواهد داد، چراکه هدف راوی، صرفاً ساختن روایتی داستانی نیست، بلکه بازسازی خاطراتی است که در آن لحظه خاص تاریخی، در فضای ذهنی وی شکل گرفته است. نمونه این بخش‌های غیرمرتبط با پی‌رنگ اصلی داستان، در موارد دیگر این کتاب نیز مشاهده می‌شود که دقیقاً همان عنوان فرعی، خواننده را آماده پذیرش آن‌ها می‌کند. براین اساس، می‌توان مهم‌ترین کارکرد واقع‌گرایانه عنوان فرعی این روایت را بهنجارسازی دانست. از طریق این بهنجارسازی است که خواننده، مداخله وقایع تاریخی‌ای را که ممکن است در ظاهر ارتباطی با کنش‌های اصلی روایت نداشته باشند، می‌پذیرد.

### ۳-۳. رمزگان‌های کنشی و معمایی عنوان

بارت اعتقاد دارد که رمزگان‌ها، ابزار راه‌گشایی هستند که خواننده برای ساختاربخشی روایت از آن‌ها استفاده می‌کند. در میان این رمزگان‌ها، دو رمزگان هرمنوتیکی و کنشی، در خدمت پی‌رنگ هستند و سیری تقویمی از آغاز تا پایان روایت ترسیم می‌کنند (ر.ک. آلن، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۸). منظور از رمزگان هرمنوتیکی (معمایی) بارت، «عباراتی است که به خواستشان، رمزی شکل گرفته، مرکزیت یافته، به نظم درآمده سپس به تعویق افتاده و نهایتاً آشکار می‌شود» (بارت، ۱۳۹۴، ص. ۳۲). رمزگان کنشی، مجموعه‌ای از کنش‌ها و پی‌رفت‌ها هستند که زنجیره‌ای از حوادث را سرتاسر روایت

شکل می‌دهند و روایت را جلو می‌برند. این دو رمزگان، آنچنان در هم تنیده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد. از یک طرف، این رمزگان کنشی است که باعث شکل‌گیری معمای داستان و حل آن می‌شود و از طرفی این معماهای موجود در روایت است که باعث شکل‌گیری کنش‌ها می‌شود.

بنیاد رمزگان هرمنوتیک بر سه مرحله است: الف) شکل‌گیری معما، ب) وقفه‌ها و تعویق‌ها، ج) افشای پاسخ معما. هر کدام از این مراحل، کنش‌هایی را نیز خلق می‌کنند. می‌توان بی‌نهایت پرسش و کنش را در متن شناسایی کرد، اما در نهایت همه این پرسش‌ها و کنش‌ها در راستای بازگشایی معمای اصلی روایت خواهد بود. عنوان نیز از این قاعده مستثنی نیست و بلافاصله کنش‌ها و معماهایی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. «می‌دانیم که نام {روایت} معمایی برمی‌سازد؛ چراکه فرهنگ عادت‌مان داده که عنوان را با ارجاع به محتویات متنی که بر آن الصاق شده است، بخوانیم» (موریاتی، ۱۳۹۹، صص. ۲۳۲-۲۳۳). از طرف دیگر فرایند شناخت در ذهن انسان براساس نوعی روایت‌مندی و منطق شکل می‌گیرد. فیشر معتقد است «انسان موجودی منطقی نیست که اساس دانایی او را نظام منطق استدلالی شکل دهد، بلکه انسان ذاتاً موجودی روایتگر است و در نتیجه منطق روایت بر ذهن او حاکم است» (احمدی، ۱۳۹۷، صص. ۱۹۸-۱۹۹). این خاصیت ذهن انسان است که جهان و پدیده‌های اطراف خود را همچون یک روایت تجربه می‌کند و برای آن‌ها یک زنجیره علی می‌سازد و پدیده‌های گوناگون را به یکدیگر پیوند می‌دهد. پرسش‌ها و کنش‌های مرتبط با عنوان روایت نیز از همین تفکر شکل می‌گیرند و بلافاصله عنوان را بخشی از روایت می‌کنند. با این تلقی، عنوان روایت دیگر صرفاً نوعی عنصر پیرامنی و برون‌روایتی نیست، بلکه بخشی از رمزگان هرمنوتیک و کنشی در هر روایت است.

### ۳-۱-۳. شکل‌گیری معما و کنش‌های ابتدایی عنوان

عنوان «آن بیست و سه نفر» ابهام‌آفرین است و این ابهام سرآغاز شکل‌گیری پرسش‌ها و معماهای متعددی در روایت است. اولین سؤالی که عنوان آن بیست و سه نفر شکل می‌دهد، این است که آن‌ها چه کسانی هستند؟ این مهم‌ترین پرسشی است که در ابتدای روایت، به عنوان جنبه‌ای هرمنوتیک و معمایی می‌دهد. خواننده براساس همین معمای ابتدایی، به دسته‌بندی کنش‌ها می‌پردازد تا بتواند از این طریق به حل معما دست پیدا کند.

این داستان، ماجرای بیست و سه نفر از نوجوانان است که به جبهه می‌روند و در یکی از عملیات‌ها اسیر می‌شوند. صدام حسین، با آگاه شدن از این مسئله، با وعده آزادی آن‌ها، به دنبال نوعی تبلیغ سیاسی می‌افتد تا بتواند از این ماجرا نهایت بهره‌برداری را کند، اما با مقاومت این نوجوانان روبه‌رو می‌شود و درنهایت این نوجوانان به دلیل عدم پذیرش پیشنهادهای دشمن، سال‌ها در اسارت به سر می‌برند.

پی‌رنگ روایت آن بیست و سه نفر، خطی است؛ یعنی حوادث براساس نوعی تقویم زمانی، پشت سر هم قرار می‌گیرند. پی‌رنگ این داستان را می‌توان ذیل سه رمزگان کنشی زیر جای داد: مرحله تعادل: همان حضور راوی و دیگر رزمندگان در زادگاه خود و جبهه قبل از عملیات‌ها (کنش‌های آمادگی برای جبهه). مرحله تغییر یا به هم خوردن تعادل: آغاز عملیات و و کنش اسارت و مرحله سوم تعادل نهایی: ماجراهای اسارت و درنهایت آزادی. این سه رمزگان کنشی را می‌توان فرایند گسترش و حل ابهامات و معمای عنوان دانست. دو مرحله ابتدایی در کتاب حاضر، کنش‌هایی را شکل می‌دهند که در آن معمای عنوان روایت زمینه‌سازی می‌شود و شکل می‌گیرد. با شروع روایت، شخصیت‌ها و صحنه و حوادث شکل می‌گیرند که همگی در راستای افشای کسیتی آن بیست و سه نفر است.

### ۲-۳-۳. تقابل‌سازی، اساس رمزگان‌های کنشی و معمایی

هر عنصری که در روایت قرار می‌گیرد از طریق تقابل و تعامل با سایر عناصر داستانی به بدنه روایت می‌پیوندد و نقشمند می‌شود. سه مرحله پی‌رنگ روایت آن بیست و سه نفر نیز بر مبنای تقابل‌سازی پیش می‌رود و همین تقابل‌سازی به شکل‌گیری وقفه‌ها و تعویق و درنهایت فهم عنوان روایت منجر می‌شود. عنوان بیست و سه نفر رمزی است که در ابتدای روایت شکل می‌گیرد و در صفحه ۱۲۵ کتاب گشوده می‌شود:

بیست و سه و نوجوان اسیر. «چسبیده به زندان، اتاق کوچکی بود مخصوص نگهبان‌ها. همه‌مان را بردند آنجا. در را هم پشت سرمان بستند. نگاهی به یکدیگر انداختیم. اولین چیزی که توی چشم می‌زد چهره‌های بچه‌گانه و قد‌های کوتاه‌مان بود و صورت‌های صاف و بی‌مو. این فصل مشترک همه‌مان بود» (ص. ۱۲۵).

اما این گشایش معنا حاصل تقابل‌سازی‌های گسترده، تعلیق‌ها و تعویق‌هایی است که در متن شکل می‌گیرد. با نگاهی به محتوای آن بیست و سه نفر، با دو رمزگان بیشتر روبه‌رو خواهیم شد: نخست نوجوانی و دیگر اسارت. این دو رمزگان، همان کنش‌های افشاکننده هستند که درنهایت ابهامات عنوان را کاملاً حل می‌کنند.

### ۳-۳-۳. تقابل نوجوانی و بزرگی / گذر از شوش به کنش

روایت آن بیست و سه نفر را می‌توان تقابل دو وضعیت نوجوانی و بزرگی دانست، یعنی تقابلی کمال‌گرایانه که در آن نوجوانان رزمنده تلاش می‌کنند تا خود را از وضعیت شوشی نوجوانی رهایی دهند و با کنش‌های تدافعی به وضعیت شوشی بزرگی یا کمال دست پیدا کنند. این دو وضعیت، زیرمجموعه کنش قهرمان‌سازی است که معمولاً در روایت‌های ادبیات پایداری، عنصری مرکزی محسوب می‌شود. نام‌گذاری

روایت به اسم اشخاص در روایت‌های پایداری مانند «دا»، «نورالدین پسر ایران» و «آن بیست و سه نفر»، برجسته‌سازی و مقدم دانستن شخصیت‌ها بر کنش است و زمینه برای تبدیل شخصیت‌ها به یک قهرمان.

روایت آن بیست و سه نفر برای گسترش تعلیق و به تعویق انداختن ماهیت آن بیست و سه نفر، از تقابل نوجوانی / بزرگی، بهره می‌برد. نوجوانی، یک وضعیت شوشی است که از ابتدای روایت تا افشای معمای بیست و سه نفر و حتی تا پایان داستان، مدام تکثیر می‌شود. وضعیت شوشی یا توصیف‌کننده حالتی است که عامل در آن قرار دارد یا بیان‌کننده وصال عاملی با ابژه یا گونه ارزشی است (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲). شاید در ابتدای روایت، نوجوانی، عنصری نقشمند محسوب نشود و فقط در رمزگان فرهنگی، معنای خود را بروز دهد، اما وقتی در راستای آشکارسازی عنوان قرار می‌گیرد، معنامندی و کارکرد ابهام‌زدای آن کاملاً مشخص می‌شود. راوی از همان ابتدای روایت، به کم سن و سالی خود اشاره می‌کند، اما هر چه روایت جلو می‌رود این جنبه، ارتباط معنادارتری با عنوان روایت پیدا می‌کند. برای نخستین بار، وضعیت و شوش نوجوانی، در ماجرای دانشکده فنی که محل اعزام نیروها به جبهه بوده است، برجسته می‌شود. جایی که حاج قاسم قرار است دست به گزینش نیروها بزند و یکی از ملاک‌های وی برای رد داوطلبان، همین کم سن و سالی است:

حاج قاسم نزدیک من رسیده بود و من نزدیکی پرتگاهی انگار. با خودم فکر می‌کردم کاش ریش داشتم. به کنار دستی‌ام که هم ریش داشت و هم سبیل، غبطه می‌خوردم. لعنت بر نوجوانی! که یقه مرا در آن هیر و بیرری گرفته بود. هیچ مویی روی صورتم نبود. از خط سبزی هم که پشت لب‌هایم دمیده بود، در آن بگیر و ببند، کاری ساخته نبود. باید صورت لعنتی‌ام را به سمتی دیگر می‌چرخاندم که حاج قاسم نبیندش (صص. ۴۶-۴۷).

نوجوانی، وضعیت شوشی‌ای است که رابطه پدیداری و حسی ادراکی عاملان یا بیست و سه نفر را با دنیای پیرامون خود نشان می‌دهد. این وضعیت امری تحمیلی و از پیش‌اتفاق افتاده است؛ یعنی این نوجوانان در این وضعیت به بطن جنگ پرت شده و نقشی در وضعیت نوجوانی خود نداشته‌اند. همین وضعیت اجباری و تحمیل شده است که باعث شکل‌گیری کنش مقابله و مقاومت و شکل‌گیری اصل این داستان شده است. این نوجوانان برای رهایی از این وضعیت پدیداری، هم در مواجهه با رزمندگان خودی و هم در مقابل دشمنان، از خود کنش‌هایی تدافعی و تقابلی انجام می‌دهند تا بتوانند در مقام شوشگران، وضعیت جدیدی را برای خود رقم بزنند. اما هم خودی‌ها و هم دشمنان بر نوجوان بودن آن‌ها تأکید می‌کنند. همین تقابل، اساس بسیاری از کنش‌های اصلی این داستان است. این انکار و تأکید مداوم یعنی به تعبیری تلاش برای گذر از شوش به کنش، زیبایی‌شناسی ابهام عنوان را بیشتر می‌کند؛ یعنی با وجود اینکه مشخص می‌شود آن بیست و سه نفر، نوجوان هستند اما در ادامه روایت این امر توسط خود همین نوجوانان نقض می‌شود. این کنش مقاومتی نوجوانان، بار دیگر کنش‌های معمایی دیگری را شکل می‌دهد. اگرچه معمای عنوان، در میانه‌های روایت، رمزگشایی شده است اما بلافاصله پس از رمزگشایی، به معماهای دیگری در ادامه داستان تبدیل می‌شود.

مهم‌ترین کنش مقاومتی این نوجوانان در مقابل وضعیت شوشی و نوجوانی خود، در «ماجرای فواد» رخ می‌دهد. فواد، خبرنگار و بازجوکننده‌ای است که باید از طریق تبلیغات، دو موضوع را تبلیغ کند: نخست نوجوان بودن رزمندگان ایرانی و دیگری حضور اجباری آن‌ها در جنگ. تا اینجا روایت، راوی مکرراً به نوجوان بودن خود و اسرا اشاره می‌کند و خواننده نیز این موضوع را پذیرفته که بیست و سه نفر، نوجوان هستند، اما در مواجهه با دشمن این موضوع انکار می‌شود. خبرنگار از بیست و سه نفر

می‌خواهد که سن خود را کم‌تر از آنچه هست بگویند تا بدین وسیله ظلم به کودکان را در نظام انقلاب اسلامی نشان دهد، اما با مقاومت و ممانعت آن‌ها مواجه می‌شود.

فواد ادامه داد آقای احمد شما چند سالته؟ - هفده سال... از روی تخت خم شد به سمت من. سرهایمان به هم نزدیک شد. بوی تند ادکلنش پیچید توی بینی‌ام. گفت «بین من کار ندارم واقعاً چند سالته؟ من می‌خوام صدات رو ضبط کنم این تو». اشاره کرد به ضبط صوت کتابی‌اش و ادامه داد: «وقتی ازت می‌پرسم چند سالته، میگی سیزده سال. وقتی هم ازت می‌پرسم چرا او مدی جبهه، میگی به زور فرستادم. فهمیدی؟ خلاص» (ص. ۱۱۸).

گفتمان فواد را می‌توان به تعبیر لاندوفسکی، مبتنی بر نظام معنایی مجاب‌سازی دانست که بر اصل نیت‌مندی بنیان نهاده شده است. در این نظام معنایی، سوژه سوژه دیگری را در راستای اهداف از قبل تعیین شده خود و با نیتی معلوم به کنش و می‌دارد (معین، ۱۳۹۶، ص. ۲۴). تهدید و ترغیب دو ابزار فواد برای اعمال نظام معنایی خود بر آن بیست و سه نفر است که البته با مقاومت این رزمندگان به نتیجه نمی‌رسد. درحقیقت این رزمندگان همچنان، تلاش می‌کنند تا بر وضعیت شوشی خود که همان نوجوانی است غلبه کنند. همین مقاومت به نظام معنایی جدیدی برای عبور از وضعیت شوشی این نوجوانان منجر می‌شود. این نظام معنایی جدید را می‌توان نظام معنایی «خطرپذیر» دانست. «در نظام خطرپذیر، گفتمان نه تنها به دنبال هارمونی و همسویی با دنیا نیست، بلکه در مواردی نیز در پی سرکشی و عدم تبعیت است» (احسانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱). رزمندگان نوجوان با شکل دادن کنش مقاومت، در پی انفصال گفتمانی، دگردیسی و پذیرش خطر هستند تا بتوانند ضمن عبور از هویت پیشین، نظام شناختی جدیدی را برای خویش رقم بزنند.

از اینجا به بعد تمام ماجراهای این روایت براساس نوعی گفتمان تنشی پیش می‌رود. از این منظر، بیست و سه نفری که در عنوان قید شده است بارها با کنش مقاومت نوجوانان، رمزگذاری و رمزگشایی می‌شود و خواننده را در معرض کنش‌ها و پرسش‌های جدید قرار می‌دهد.

### ۳-۳-۴. اسارت و آزادگی، دلالت‌های ضمنی و افشاکننده معمای عنوان

نکته‌ای که در مورد عنوان روایت‌ها وجود دارد این است که اگرچه هر روایت با عنوان آغاز می‌شود، اما عنوان، صرفاً عنصری آغازین و مرتبط با ابتدای روایت نیست. به این ترتیب، عنوان، موجد معما و دال‌هایی است که نویسنده تلاش می‌کند خواسته یا ناخواسته با اطلاعات قطره‌چکانی تا پایان داستان، معنای کامل آن را افشا کند.

در روایت آن بیست و سه نفر نیز با چنین فرایندی مواجه هستیم. با آشکار شدن بخشی از ابهام عنوان، یعنی مشخص شدن وضعیت شوشی نوجوان بودن آن بیست و سه نفر در میانه داستان، و کنش مقاومت این نوجوانان، آن‌ها به تعادل نهایی یا اسارت می‌رسند. براساس قوانین طبیعی جنگ، وقتی نیروهای طرف مقابل دستگیر می‌شوند، باید برای اسارت به اردوگاه فرستاده شوند، اما در مورد این بیست و سه نوجوان این اتفاق رخ نمی‌دهد و همین امر به شکل‌گیری رمزگان معنایی در روایت منجر می‌شود. این رمزگان در نتیجه معنایی ضمنی‌ای ایجاد می‌شود که توسط دال‌های مختلف در سطح متن شکل می‌گیرند. این رمزگان درحقیقت متن را نه در سطح افقی بلکه در سطح عمودی پیش می‌برد؛ یعنی روایت را به معنایی اجتماعی و ایدئولوژیک خود نزدیک می‌کند. نویسنده با توجه به اهمیت این موضوع، برای شناخت بهتر دلالت‌های

ضمنی آن بیست و سه نفر، در میانه‌های داستان بخشی را می‌نویسد که از آن با نام « اول ماجرا» یاد می‌کند:

وقتی فیلم اسرای ایرانی که در بصره با نان و سیب پذیرایی می‌شدند، پخش می‌شود، از قضا صدام حسین، رئیس جمهور عراق پای تلویزیون می‌نشیند. پخش تصویر چند اسیر نوجوان ایرانی که من هم یکی از آنها بودم، صدام را به صرافت می‌اندازد به حيله‌ای دست بزند. فرمان می‌دهد اسرای کوچک را به اردوگاه نفرستند! (ص. ۱۲۳).

اینکه نویسنده از ماجرای اسارت نوجوانان با عنوان اول ماجرا یاد می‌کند؛ یعنی عنوان از دلالت صریح خود عبور می‌کند و وارد دلالت‌های ضمنی و معنایی می‌شود. اسارت، از یک طرف مدلولی است در راستای ابهام‌زدایی کامل از دال آن بیست و سه نفر در متن شکل می‌گیرد، اما بلافاصله خود تبدیل به دال و نشانه‌ای جدید می‌شود که دال‌هایی چون گرفتاری و آزادگی را تداعی می‌کند. دو مفهوم گرفتاری و آزادگی، عنوان آن بیست و سه نفر را به نظامی متناقض و متضاد سوق می‌دهد. تمام جذابیت و رازواری عنوان این روایت در همین چند معنایی متناقض و ضمنی نهفته است. بارت این رمزگان را رمزگان دال‌ها یا معنایی می‌نامد. این رمزگان مربوط به مدلول‌های دلالت ضمنی است که از نشانه‌های متن شکل می‌گیرد. این تنش و تناقض، بلافاصله خطوط کلی فضای داستان را تغییر می‌دهد و به لایه‌های معنایی جدیدتری در متن منجر می‌شود.

تمام تلاش نیروهای عراقی و در رأس آن‌ها صدام حسین، بر این است تا با استفاده از کم سن و سالی این بیست و سه نفر، جنگی تبلیغاتی و گفتمانی برنامه‌مدار طراحی کند و کنشگران یا نوجوانان اسیرشده را براساس برنامه‌ها و دستورهای ایدئولوژیک از پیش تعیین شده خود به شوشگرانی منفعل تبدیل و به دنیا مخابره کند که جمهوری اسلامی به اجبار نوجوانان کم سن و سال را به جبهه می‌فرستد. اگر نوجوانان به این

برنامه تن بدهند و خود را با دیگری دشمن تطبیق دهند نوعی نظام محافظه‌کارانه را رقم زده‌اند که به مماشات و تطبیق نشانه‌ای منجر می‌شود. نیروهای عراقی در ظاهر و برای پیشبرد نظام تطبیق خودشان، به این مبارزان کم سن و سال نگاهی پدرانانه دارند و قصدشان این است که با حمایت از آنها، از رنج اسارتشان بکاهند و آنها را آزاد کنند، اما این فرایند تبلیغاتی با مقاومت و کنشگری این نوجوانان مواجه می‌شود؛ یعنی آنها اسارت و آزادگی را بر آزادی و زیر بار تبلیغات رفتن دشمن ترجیح می‌دهند و با بنیان نهادن گفتمان خطرپذیری، و تحمل مشقت‌های فراوان، خود را از گفتمان تجویزی دشمن رها می‌کنند و درنهایت به اردوگاه الرمادی فرستاده می‌شوند و سال‌ها در اسارت به سر می‌برند. راوی از اسارت در رمادی با استعاره «سفری دیگر» یاد می‌کند که نشان‌دهنده پیروزی آنهاست: «رفتن به اردوگاه یعنی خلاص شدن از شر دوربین‌ها و خبرنگاران رژیم بعث که ما را وسیله خوبی برای تبلیغات علیه کشورمان می‌دانستند» (ص. ۱۸۹). شکنجه‌ها، اعتصابات، دلتنگی‌ها و هر کنشی که ملازم رمزگان اسارت است، نوعی آیین گذر محسوب می‌شود که درنهایت از این نوجوانان اسیر، مردانی بزرگ می‌سازد:

بعد از شام و قبل از سوت داخل باش، وقتی جلوی روشویی داشتم وضو می‌گرفتم، توی آینه، جوانکی لاغر و استخوانی دیدم که گونه‌هایش فرو رفته بود و لایه نازکی موی نرم سیاه، سطح صورتش را پوشانده بود. خدای من ... من بالأخره ریش درآورده بودم! من بزرگ شده بودم! (ص. ۲۷۷).

تمام فرایند شکل‌گیری معمای عنوان تا حل آن را می‌توان همین عبور از وضعیت شوشی نوجوانی به وضعیت کنشی بزرگی دانست.

## ۴. نتیجه

این مقاله براساس همین پیش‌فرض شکل‌گرفته که معنی، امری معین و از پیش تعیین‌شده توسط نویسنده نیست، بلکه به نحوه خوانش خواننده بستگی دارد. از این منظر، متن به‌عنوان امری در حال فرآوری در نظر گرفته می‌شود که خواننده هم نقشی مهم در این فرآوری دارد. خواننده در فرایند خوانش، متن را به قطعه‌های مختلف تقسیم‌بندی می‌کند و هر قطعه را در ذیل یک رمزگان قرار می‌دهد و بدین ترتیب روایت به رمزگان‌های متعدد و معانی مد نظر وی تقسیم می‌شود. نام هر داستان می‌تواند با توجه به سؤالات و ابهاماتی که در همان ابتدای روایت به‌وجود می‌آورد، می‌تواند باعث شکل‌گیری رمزگان‌های متعدد فرهنگی، کنشی و معمایی در روایت شود. در روایت برخلاف شعر، تمامی عناصر به واسطه علیت و زمان به یکدیگر پیوند می‌خورند، از همین منظر امکان حذف آن‌ها وجود ندارد یا در صورت حذف، در پی‌رنگ اختلال ایجاد خواهد شد. عنوان روایت نیز از این قاعده مستثنی نیست. عنوان از این جایگاه می‌تواند حکم اولین سطر روایت را داشته باشد که باعث شکل‌گیری بسیاری از کنش‌ها و شخصیت‌ها می‌شود. عنوان بخشی از خود متن است و نه عنصری تزئینی و برون‌متنی.

مهم‌ترین معما یا سؤالی که آن بیست و سه نفر در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند، کیستی آن‌هاست. دو قسمت اولیه پی‌رنگ روایت این کتاب، یعنی یعنی قسمت تعادل اولیه (توصیف فضای جبهه و جنگ و شکل‌گیری شخصیت‌ها) و برهم خوردن تعادل (اسارت راوی و بیست و دو نوجوان دیگر) همگی کنش‌هایی هستند که در راستای افشای معمای کیستی اولیه «آن بیست و سه نفر» به وجود آمده است. نویسنده در این دو مرحله، از وضعیت شوشی نوجوانی استفاده می‌کند تا بتواند معمای عنوان را حل

کند. بعد از اینکه مشخص شد آن بیست و سه نفر، نوجوانانی اسیر هستند، قسمت سوم روایت یعنی تعادل نهایی و رمزگان اسارت شکل می‌گیرد که باز باعث گسترش ابهامات عنوان می‌شود. آن‌ها برای مبارزه با جنگ تبلیغاتی دشمن از نوجوان بودن خود دوری می‌کنند و همین امر باعث برجستگی کنش قهرمانانه آن‌ها می‌شود و تقابل اسارت/آزادگی در متن گسترش پیدا می‌کند. با رفتن این نوجوانان به اردوگاه، تمامی ابهامات عنوان حل می‌شود و کیستی و چگونگی شکل‌گیری عنوان روایت برملا می‌گردد. با این دلایل و شواهد می‌توان گفت تمامی روایت‌ها درحقیقت چیزی جز گسترش و حل ابهام آغازین عنوان نیستند. نام داستان، مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده رمزگان‌های روایت است.

پی‌نوشت‌ها

1. Paratext
2. discursive mediations
3. hermeneutic code
4. proairetic
5. semic
6. symbolic
7. cultural
8. Lexia
9. code

۱۰. تمام ارجاعاتی که فقط شماره صفحه در آن‌ها ذکر شده، برگرفته از کتاب آن بیست و سه

نفر است.

منابع

آلن، گ. (۱۳۸۵). *رولان بارت*. ترجمه پ. یزدانجو. تهران: نشر مرکز.

- ابوت، اچ. پورتر (۱۳۹۷). *سواد روایت*. ترجمه رویا پورآذر و نیما م. اشرفی. تهران: نشر اطراف.
- احسانی، ز.، شعیری، ح.، و معین، م. (۱۳۹۹). تحلیل نظام روایی محافظه‌کاری و خطرپذیری: نظریه گفتمان خیزابی مطالعه موردی روایت همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها اثر رضا قاسمی. *روایت‌شناسی*، ۴(۷)، ۱-۳۲.
- احمدی، ب. (۱۳۸۹). *آفرینش و آزادی*. تهران: نشر مرکز.
- بارت، ر. (۱۳۹۴). *اس/زد*. ترجمه سپیده شکری پوری. تهران: نشر افراز.
- بنی‌طالبی ده‌کردی، ام.، و فروزنده، م.، (۱۴۰۰). کارکردهای عنوان داستان در داستان‌های کوتاه ایرانی (با تکیه بر داستان‌کوتاه‌نویسان شاخص پیش از انقلاب اسلامی). *پژوهش‌نامه ادبیات داستانی*، ۱۲(۲)، ۵۵-۸۸.
- چندلر، د. (۱۳۸۶). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه م. پارسا. تهران: سوره مهر.
- ریکور، پ. (۱۳۸۳). *زمان و حکایت، کتاب اول: پیرنگ و حکایت تاریخی*. ترجمه م. نونهالی. تهران: گام نو.
- شعیری، ح.ر.، و وفایی، ت. (۱۳۸۸). *راهی به نشانه‌معناشناسی سیال: با بررسی موردی ققنوس نیما*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فلودرنیک، م. (۱۳۹۹). *درآمدی بر روایت‌شناسی*. ترجمه ه. حسن‌پور. تهران: خاموش.
- گرمس، آ. ژولین. (۱۳۹۸). *نقصان معنا*. ترجمه ح.ر. شعیری. تهران: خاموش.
- لوروسو، آ. (۱۴۰۰). *نشانه‌شناسی فرهنگی*. ترجمه ر. قاسمی. تهران: سیاه‌رود.
- محمدی عباسی، ح.، و غفوری حسن‌آباد، ع. (۱۳۹۳). خوانش هرمنوتیکی «نام داستان» در سه قطره خون صادق هدایت و ربیع فی الرماد زکریا تامر. *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۳(۴)، ۱۴۵-۱۶۹.

- معین، م.ب. (۱۳۹۶). *ابعاد گمشده معنا در نشانه‌شناسی روایی کلاسیک*. تهران: علمی و فرهنگی.
- مکاریک، ای. ر. (۱۳۸۸). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه م. مهاجر و م. نبوی. تهران: آگه.
- موریاتی، م.، (۱۳۹۹). *رولان بارت*. ترجمه س. غلامی. تهران: آوند دانش.
- هلیدی، م.، و حسن، ر.، (۱۳۹۳). *زبان، بافت و متن: جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی-نشانه‌شناختی*. ترجمه م. منشی‌زاده و ط. ایشانی. تهران: علمی.
- یوسف‌زاده، ا. (۱۳۹۶). *آن بیست و سه نفر*. تهران: سوره مهر.

## References

- Allen, G., (2003). *Roland Barthes*. Translated by Payam Yazdanjou. Markaz Publishing. [in Persian]
- Abbott, H. P. (2008). *The Cambridge Introduction to Narrative*. Translated by R. Pourazar and Nima M. Ashrafi. Atraz Publishing. [in Persian]
- Babak Moein, M. (2017). *Lost Dimensions of Meaning in Classical Narrative Semiotics. Scientific and Cultural*. Publishing Company. [in Persian]
- Ehsani, Z., Shairi, H.R., & Babak, M. (2020). Analysis of the Narrative System of Conservatism and Risk-Taking: Wave Discourse Theory, Case Study of the Narrative of 'Hamnavayi Shabaneh Orchestra-e Choobha' by Reza Ghasemi. *Narratology*, 7, 1-32. [in Persian]
- Ahmadi, B. (2010). *Creation and Freedom*. Markaz Publishing. [in Persian]
- Barthes, R. (1970). *S/Z*, First Edition. Translated by Sepideh Shakripour. Afraz Publishing. [in Persian]
- Banitalebi Dehkordi, A., & Foruzandeh, M., (2021). Functions of Story Titles in Iranian Short Stories (Focusing on Prominent Pre-Revolution Short Story Writers). *Research Journal of Narrative Literature*, 2, 55-88. [in Persian]
- Chandler, D. (2007). *Semiotics: The Basics*. Translated by Mehdi Parsa. Sooreh Mehr Publishing. [in Persian]

- Ricoeur, P. (1983). *Time and Narrative*, Book 1: Plot and Historical Narrative. Translated by Mahshid Nonahali. Gam-e No Publishing. [in Persian]
- Shairi, H., & Vafae, T. (2009). *A Path to Fluid Semiotics: A Case Study of Nima's Phoenix*. Scientific and Cultural Publishing Company. [in Persian]
- Fludernik, M. (2006). *An Introduction to Narratology*. Translated by Hiwa Hassanpour. Khamoosh Publishing. [in Persian]
- Greimas, A. (2020). *On Meaning: Selected Writings in Semiotic Theory*. (Translated by Hamidreza Shairi). Khamoosh Publishing. [in Persian]
- Lorusso, A. (2022). *Cultural Semiotics*. Translated by Rahele Ghasemi. Siahrood Publishing. [in Persian]
- Mohammadi Abbasi, H., & Ghafouri Hasanabadi, E., (2014). A Hermeneutic Reading of 'Story Titles' in 'Three Drops of Blood' by Sadegh Hedayat and 'Spring in the Ashes' by Zakaria Tamer. *Comparative Literature Research Journal*, 4, 145-169. [in Persian]
- Makaryk, I. (1993). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Agah Publishing. [in Persian]
- Moriarty, M. (1991). *Roland Barthes*. Translated by Sajjad Gholami. Avand Danesh Publishing. [in Persian]
- Halliday, M., & Hasan, R. (1989). *Language, Context, and Text: Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective*. Translated by Mojtaba Monshizadeh and Tahereh Eshani. Scientific Publishing. [in Persian]
- Yousefzadeh, A. (2017). *Those Twenty-Three*. Sooreh Mehr Publishing. [in Persian]